

او برای دریا افسوس اما ؛ طوفانها آغوش در شد، بزرگ و آمد بدنیا دریا در عقابی کوچک

شد هلاک طوفانها میان در او و بود.

آورد در سر روزگار کار از شود نمی راحتی به . ندارد اعتباری چندان دریا و دنیا با

اردوگاه ساختاری شکل ! مردن طوفان در و شدن زاده طوفان در زیباست همه این

سوسیالیسم

و بهت . ساخت وارد کشور داخل مبارزین به هولناکی سیاسی و اجتماعی ، روانی ضربه حیرت

دهنده آزار و حاد بشکل را مسئله این سیاسی سازمان و احزاب خشن سرکوب باورنکردنی ای

کرد تشدید را آن دامنه هم چپ جنبش ساختاری اشتباهات و رسانید

متزلزل را اعتقادات استوارترین و ترین گرفته پایه زمان آن پی در پی و بزرگ حوادث بر را روابط و مناسبات از بسیاری و نموده دگرگون را عقاید تظاهر صحنه و ساخته

اساس

بی امنیتی، ضربات با میهن جسته بر و مبارز فرزندان . ساخت می استوار جدیدی ضوابط مرگی روز و امیدی نا و یاس دچار زیستی، ضربات و بودن مفید احساس عدم ، ها حرمتی

و

ما کنونی ارزیابی و قضاوتها آنزمان سنجش شرایط . بودند شده هویتی بی از آن مهتر را

کرد خواهد تر نه آگاهها

داشتند تعلق بدان که گشتند می بر جاهایی به "اکثرا ، گرفته شدت چپ نیروهای ریزش مبارزه یکنواختی . کند تعیین خودش را خودش جایگاه رکسی ه تا و امیداشت حوادث شتاب

در

سازمان آن و حزب این از دفاع زمان دیگر . نبود کارساز پرتگاههایی چنین

اولویت سیاسی

توانایی فراخور به ماندگار مبارزین . داشت قرار خطر در جنبش اعتبار . نبود مبارزه گدازه پر مسیر این از عبور به مصمم شناختی آگاهی و روانی ظرفیتهای و تخصصی های

به عمل و تفکرهای میدان در سالها طی شان مبارزاتی روند در آنان یکایک . بودند و ارادشان زمانه اینک ، نموده ارتقاء استدلالی مرحله به و رسیده تجاربی

تصمیماتی داشتند فهم و درک توان که سطوحی در و رهبران غیاب در ، بود ساخته اتخاذ

خراسان اسلامشهر، قزوین، اراک، شیراز، در مختلف گروههای اجتماعی چالشهای . نمایند ،

افزایش بدلائل و انگیزته خود بصورت اغلب تهران و سنج ، خلخال بیدگل، آران ،

مطالبات

دریافت و اجتماعی ، کزنلنگی سبک شهری خدمات ، محلی های مختاری خود و اقتصادی تجمعی منظر از و بطنی بصورت مواردی در و اعتراضی بصورت ها بعضی در . . . و اطلاعات

مردم مبارزه تداوم در جدیدی الگومندی شدنشان ظاهر چه و بروز نحوه در چه ناپیدا؛ را

میداد نشان .

درک بنحوی را حقایق از بخشی تا میگرفت شکل داخلی مبارزین میان در فراوانی بخشهای با کردن سنگین سبک ، اندیشیدن مطالعه با و امیداشت را آنان استدلالی توان . نمایند

دامنه دادن، قرار بین ذره زیر را درست نا و درست های مجموعه انتقادی دیدی تشخیصشان

از بخشی ذهن در چه و طبقاتی مبارزه واقعی صحنه در چه . میداد افزایش روز هر را گروه

تحولاتی ها گروه از بخشی ذهن در چه و طبقاتی مبارزه واقعی صحنه در چه . میداد ها . بست تحولات این بر را چشم نداشت امکان دیگر . بود شده ایجاد

روشهای گیری شکل و ارتقاء به تفکر آزادی به اتکاء با داخلی مبارزین برای آوری نو آزاد مبارزین به آن تحمیل و اندیشیدن درست یکجور دیگر . انجامید تفکر گوناگون

اندیش

متفاوت گرایشهای به که انقلاب عمیق مسئولیتهای با توأم عمل آزادی از خاسته بر . بود ساخته بارورشان بزرگ حوادث با شدن مواجه زیرا نداشت، معنی بودند رسیده

عرصه در مبارزه و زندان سالهای که میهن فرزندان مقاومترین و جسورترین از یکی بود **دوانی پیروز** رفیق بود، مداوم مباحثه و تماس در نظران صاحب اکثر با اجتماعی

با که آرمانی پرچم با میهن، فرزندان مبارزاتی پیشینه به عمیق احترامی با او جملات
پیش به یعنی زیستن. دانش به انسان زیبایی و است روشنایی به خورشید زیبایی
نگریستن
بود کرده مزین
شرایط. کنیم تکرار را گذشته اشتباهات ما که نیست ای زمانه دیگر. داشت می اعلام
ما
وارد موقع به و سریع زحمتکشان با تری عمیق و تر گسترده ارتباط ضمن و امیدارد را
عمل
جهت در آینده لمس با و افتاده جلو رویدادها و حوادث از باشیم در ما تا شده
تدوین
نگرشی و روزانه قایع و و اتفاقات از جستن دوری با. برداریم گام درست می خط
یکپارچگی حداقل ایجاد به رفقا تحلیلی سطحی و جمعی خرد ارتقاء با استراتژیک
سازیم مهار را چه بیشتر پاچیدگی تا پرداخته
با اندیشه و نظری رویارویی توان و تئوریک و فکری سطح ارتقا به هم زایشی چنین
منجر مشکلات از بخشی ساختاری کاهش به پراتیک در هم و انجامید خواهد دیگر نیروهای
و اتحاد مرز، گرفت خواهد را ضعیف و طلبانه منفعت رفتارهای جلوی و شد خواهد
و گرایي قبيله جلوي همچنين. کرد خواهد حفظ چه جنبش مجموعه با را انتقاد
فراخوان به. داد خواهد بسط را دموکراتیک بحثهای گرفت، خواهد را خام ناسیونالیسم
او
شان گرفته نادیده های پتانسیل به اتکاء با و داده مثبت جواب مبارزان از بخشی
نقشی
کردند ایفاء تاریخی.
داد تر آگاهانه سازهایی زمینه به را خود جای گفتن بخرنج و کردن صحبت بخرنج
بادرک
در محکمی پایگاههای به کردن اتکاء و استقرار پی در نیست شبه یک راهشان اینکه
میان
از پرهیز با و خرد و هماهنگی با دشوار های مسیر از گذار با و آمده بر زحمتکشان
جبهه
از استفاده با چه جنبش اعتلای به مندی علاقه و بودن چه عرق با موروثی غلط بندیهای
و نیازها از برخاسته پژوهشی و تحلیلی و منطقی و علمی بحثهای، گوناگون دیدگاههای
و
مداوم فشار زیر در را زحمتکشان سالها که بلند آرزوهای و رویاها مسیر در ظایف
بخود
متن از برخاسته بعدی چند مبارزه به آوردن روی بود داشته مشغول
کرد، ایجاد تازه موجی میهن فرزندان ناپذیر پایان مقاومتها و پیروز جسارت جامعه
حل به موج این. مینماید حرکت ساحل بجانب دریاها درون از همیشه موجها که همانسان
جبهه شکنی خط نوعی. شکست همیشه برای و یکبار را سکوت شده، منجر دوران آن معمای
ای
با قارگرفتند، کفهمت و عداوت آماج دوستانش پیروزو حد از بیش شجاعتها بدلیل
که را مطالبی بودند معتقد آنان. کردند خنثی آنرا از بخشی آرامش و بردباری
میدانند
های عرصه در را خود شخصی برداشتهای و نظرات نباید. سازند پنهان دیگران از نباید
با را شده کشف تازه و جدید مطالب علاقمندی با و بنشانند کرسی به مبارزه
بردند می بهره دیگران و خود تجارب و آوردها دست از و گذاشته میان در یکدیگر
پرورش خود در را جسارت و هجوم ارزشها، حبلهت احترام و عشق با که ستمدگانی
دادند
بگوش شفاف و رسا و واضح ا ر صدایشان. بود آمده بسر ماندن سکوت کفن در زمان.
دیگران
و مشکلات از قسمتی و رفته فراتر نوشتن صاف و زیبا و ساختن گرم سر از. رسانیدند
پیروزیگویییم از است افتخار باعث کردند؛ افشا را مسائل
. ساخت زحمتکشان وقف را زندگی که او از میکنم ستایش، داد انجام بزرگی ریسک او
اتحاد، بشر حقوق قوانین و حقوق شناسانیدن و عدالت ترویج و تبلیغ در استعدادش
همواره که بین تیز چشمانی با بخشید، ماندگار برجستگی او به چه اتحاد و دموکراسی
می
با عملشان و دانستند می مبارز را خود آنان. نگیرد قرار دشمنان بازیچه مورد کوشید

و دشمنان از تر انساني سطحي در را ايشان مبارزه كردو مي فرق شده اجير سربازان حتي

اتحاد به باورمندیشان .بردند مي پيش دادند قرار سؤظن مورد را آنان که دوستاني نشود ثابت جرمي تا اينکه به باور با .بود داده قرار رویشان فرا را وظايفي اينکه به باور با .دهند قرار ... و تهمت و سؤظن مورد را بيگناهي نبايد

گناهکاران

يا و اي بهانه بهر آنان .است الزامي مبارزين توسط آن رعايت که دارند حقوقي هم براي

را داشتند عقیده يا و دیدگاه اختلاف آنها با که را ديگراني حق خشمشان نشاندن فرو داشتند قرار ناعادلانه قضاوتهاي معرض در که را کساني تمام و .نگرفتند نادیده

ومورد

مبارزاتي سنتهاي بر متكي و ديرينه معيارهاي از را امر اين و میدادند قرار حمايت و دیدند مي چپ عظمت و شکوه عامل را مبارزاتي گرايشهاي اختلاف جود و .میدانستند

يکي

بصورت گوناگون ي دیدگاهها پذيرش ها، بست بن از رفت برون مهم عوامل از که دانستند مي تحريك و عمل ميدان تقويت در مهم عامل را مصلحت نه و واقعيت يك

توأم

اجازه انجاميدو خواهد داخلي موج ايجاد به شونده نو به نو و زنده مطالبات با ندادند

سوار بودند،كهييات ادامه براي اينچنيني فرصتهاي پي در که اي حرفه سواران موج به بود نوعي به که ما جامعه عيني ضعيت و دشوار شرايط در .شوند تازه هاي موج اين بر

که

و نداشته بعدي هاي لحظه و فردا به محكمي اطمينان هيچگاه مردم و مبارزين اكثر با يا و داده دست از براحتي نيستند حاضر را گردد مي ايجاد برايشان که فرصتهايي

كوشيدند و زده دست امر اين به دوستانش و **پيروز** .نمايند تقسيم ديگران

.دهند انتشار را ديگران گوناگون دیدگاههاي

مطرح را هايشان نوشته و حرفهاي و شدند موفق که آنهايي که نبود معنا بدان اين اما **باورمندی و ايمان مارکسيسم به پيروز** .بود يارانش پيروزو انديشان هم سازند،

عميق

او دید از .داشت آميز مبالغه اعتمادي داخلي مبارزين و زحمتکشان به نسبت و داشت نه

ممکن حتي بلکه کنند، اشتباه آنان از برخاسته مبارزين و زحمتکشان نبود ممکن فقط از بعد سالها حوادث روند هم عملا .انداخت اشتباه به مدت دراز در را آنان نبود

ضربه

صحت (... و ها ربودن و اي زنجيره قتلهاي)جامعه بالفعل توانهاي به زدن

ادعاهایشان

.رسانيد اثبات به را

و مثبت و ناپذير انكار واقعيي ، دادند ديگران به يارانش و او که فرصتهايي

ماندگار

ساختن آشنا منسجم و منظم ارتباطات وجود ضرورت درك .است داخلي مبارزاتي صحنه

به جديد مشي خط در استقامت و استقرار و نوين مبارزه با پيرامونشان مبارزين

جلوگيري

مبارزاتي هاي صحنه مرکز در خود داشتن نگاه .انجاميد قرارگرفتنشان تاثير تحت از

، حوادث مجموعه با آگاهانه برخورداري مناسب نا هاي کرانه به نشدن کشيده از پرهيز

فراوان هاي تلخي تحمل فشارها تمامي برابر در درايت ، دیدگاههايشان شفاف ارائه

خارج

و گشت تهمت و دروغ به آلوده هاي فضيلت باختن رنگ باعث انساني احساس از

.بنگرنند کار تازه مبارزين به بيشتتر احترام با داشت وا را قديمي مبارزين

مقاومتهاي

از خسته مبارزين روان و روح و گوش در آهنگ خوش ميهن،نهيوئيدان ناپذير پايان

لبانشان بر ليخند گل .گرديد دانش سار چشمه با توام وقتي .کرد ايجاد سرکوب سالهاي

گامهايشان طنين با هماهنگ و همراه .است چپ اتحاد زمان ، زمان ديگر نشانيد،

بفراخور

در برآمده وظايف و پاسخگويي جهت در اجتماعي فرصتهاي و شرايط و توانايي و درك

پرتو

پرورش و جديد شرايط با سازگار توانايي و پذيري تغيير در استمرار پايه بر نيرويي

بسيار نقابهاي اصول، در نه ، روشها قبال در مبارزاتي ظرفيتهاي

اجرای مبارزین جدید مندی الگو پیروزیها پردازیهای نظریه. داشتن بر را سطحی سپرده
تحمل را تلخی واقعیتها مواقع برخی. نماید عمیق را مبارزه سطح بیشتر هرچه تا شد
می نمایند حل را مهمتری مسائل تا کنند.
مشي خط شدن پیدا به عمل صحنه در ایستادگی، صداقت، نشدن شرایط غلط تحلیل تسلیم
رسانید اثبات به آنرا صحت زمان گذر که، انجامید درستی
زمان، مسؤلانما، دمکراسی برای اتحاد رویدادها، ها، دیوگتلهانتشار
که بود حاکمیت عمدتاً رویش فرا موانع. داد قرار رویشان فرا را موانعی چپ اتحاد و
با
و ریشه خشکاندن و زحمتکشان تزیید به رو های خواسته مهار برای. داشتند عناد او
روند مرور به و. بدهند هشدارش بارها که گردید باعث جامعه بالفعل توان سرچشمه
ربودنش
مبارزه وقف را خود که کسی بود برده پی بخوبی و نکرد اشتباه حاکمیت. دادند شکل را
تعدادی که بود این امنیتی نیروهای تحلیل پیش مدتها از. نیست خریدنی دیگر میکند
از
مبارزات محورهای به توانند می آینده سالهای در مبارزه برجستگان
روانی زمینه کشور از خارج مبارزین دیدگاههای انعکاس اینکه یا و شوند تبدیل مردم
پیروز بار چندین. نمایند جلوگیری باید که میکند فراهم جامعه به را آنها بازگشت
راه پایان زندان، بود افتاده زندان به بارها که او برای ولی بود شده تهدید
نبود.
بود، شده قطع جا همه با ارتباطش گرچه ربودند؛ خیابان از 3/6/1377 تاریخ در را او
تا است کوشیده می اطلاعات از پایینی درصد با مرحله این در فراوان احتمال با اما
تا برایش احتمالاً مشغولیتی چنین. سازد ترسیم ذهنش در احتمال چندین با تصویری
حدودی
ماجرا اصلی متغیر شد ثابت برایش دیگر که رسید ای لحظه اما است بوده بخش لذت
مبارزین
را انقلابی مسئولیت به بودن اندیشیدن، مقولاد آنها به که هستند زحمتکشانی و
است داده نشانشان را گذار مسیر و آموخته
جاهایی تمام در تا کوشیدند داد قرار هولناکی و تند پیچ در را ربودن پیروزیارانش
که
دیگر. بپردازند توضیح و تشریح به بودند کرده تحریک او علیه بر را مبارزین افکار
مطرح چپ اتحاد شعار پشت را خود که نبودند تأثیری بی و کوچک جریان آنان
آن. سازند
...وقدی می عمده و قوی احزاب و گروهها قبال در هم
اعتقاد عقیده آزادی به که آنان نداشتند، کاری آنها با "اساساً یارانش و پیروز
داشتند
قرمزی خطوط خودشان برای و کردند می نفی را دیگران عقیده آزادی متاسفانه اما،
قرار
نشریه یا و بولتن یک در بحث یک و موضوع یک، نظریه یک طرح که بنحوی بودند داده
کردند می تلقی دشمنی و، توئیخی مبارزین از بخشی جانب از هم آن را داخلی
باید
اینکه باور از تا نماید بررسی را موضوعها و ها صحنه این نهایی قاضی زود یا دیر
سکوت
مبارزه عملاً کسانی چه شود مشخص حدودی تا و. شود جلوگیری گشت خواهد تبدیل دروغ به
و
کرده تسلیم نیام از کشیدن بیرون از قبل را شمشیرها کسانی چه
و است شکست به محکوم کشور داخل در مقاومتی هرگونه که غلط برداشت این تا. اند
تلاشگران به تا. شود گذاشته کنار است ممکن جناحی سیاسی، هویت یک دائمی تثبیت
صحنه
گشایی حوزه به حاکمیت برابر در گیرهایشان در جهت در که طبقاتی و مبارزاتی های
های
را شدن آنها ربوده و ای زنجیره های قتل اطلاعات تا رسانند یاری زنند می دست جدیدی
انحرافی؛ تحقیق تفریاد را یاب حقیقت های کمیته تشکیل؛ سازیم بیشتر
گذشته
مردم جانب از پرونده زیرا؛ بکشانیم میدان به را حقانی محفل؛ پبلشکافیم را
هنوز

.باشد مي مفتوح

مراد